



فرزاد موتمن کارگردان و نویسنده سینما و تلویزیون، دوران کودکی و نوجوانی را در مناطق نفت خیز جنوب گذارنده است. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه به ایالت متحده رفت و تحصیلات خود را در رشته سینما در سال ۱۹۷۹ (میلادی) نیمه تمام رها کرد و به ایران بازگشت. پس از آن به عکاسی و فیلمبرداری پرداخت و مستندسازی را نیز تجربه کرد. او در سال ۱۳۷۸ به ساخت فیلم های سینمایی پرداخت و در کنار فیلمسازی به تدریس در دانشگاه سوره نیز مشغول شد. از مهم ترین آثار فرزاد موتمن می توان به کارگردانی سریال نون و ریحون، سریال دماغ و فیلم پویک و مش ماشاءالله اشاره کرد. این نویسنده و کارگردان در گفتگو با ماهنامه صبا با بیان اینکه این مجلات سینمایی بودند که آینده هنری او را رقم زدند و او را به این قاب جادویی علاقه مند کردند. موتمن در این گفتگو به مناسبت سیزدهمین سالگرد رسانه فرهنگی هنری صبا، درباره اهمیت، کارکردها و جایگاه مجلات تخصصی سینما با تاکید بر ماهنامه صبا سخن گفته است که می خوانید.

آقای موتمن، از شما می خواهیم به عنوان یکی از کارگردانان شناخته شده سینمای ایران از منظر یک فیلم ساز حرفه ای به این پرسش پاسخ دهید: اینکه چشم انداز یک ماهنامه سینمایی از نگاه شما در مقام کارگردان کجاست؟ چرا که فیلم سازان معمولاً به عناصری مانند روایت، تحلیل تصویر، شناخت مخاطب و میزان تأثیرگذاری اثر توجه ویژه ای دارند.

واقعیتش این است که من هیچ گاه مستقیماً در فضای مطبوعات فعالیت نکرده ام و دقیقاً نمی دانم به صورت تخصصی باید چه مؤلفه هایی را در نظر گرفت، اما اگر بخواهم صرفاً از زاویه دید یک فیلم ساز به این موضوع نگاه کنم، آن چه برای من اهمیت دارد، تحلیل های تخصصی درباره فیلم ها یا صنعت سینماست؛ بررسی روندها، جریان ها، و تحولات تاریخی سینما برای من بسیار جذاب تر از خبرهای روزمره یا مصاحبه های کلیشه ای است.

بسیار خوب. از همین جا شروع کنیم. به نظر شما، یک ماهنامه سینمایی چگونه می تواند در ارتقای سطح دانش سینمایی مخاطبان مؤثر باشد؟ چه رویکردها و استراتژی هایی را پیشنهاد می کنید؟

متأسفانه امروز دیگر آن مفهوم سنتی «مجله» تقریباً از بین رفته است. همه چیز به سمت فضای مجازی رفته است. ادبیات سینمایی، آن حضور عینی و قابل لمس گذشته را ندارد. اکنون همه چیز در قالب پیام، پست و استوری در شبکه هایی مانند اینستاگرام منتشر می شود. شاید در ظاهر مخاطب گسترده تر شده باشد، اما در واقع نه چیزی یاد می گیرد و نه عمیق مطالعه می کند؛ فقط صفحه ها را بالا و پایین می کند. مشکل اصلی این جاست که در این فضا، هر کسی درباره هر موضوعی اظهار نظر می کند، از جمله درباره سینما. این روند، بسیار خطرناک است. نقد فیلم و اظهار نظر درباره سینما باید توسط منتقد حرفه ای، نظریه پرداز یا فردی انجام شود که صاحب دانش است؛ نه هر کسی که صرفاً صفحهای در فضای مجازی دارد. متأسفانه شرایط به گونه ای شده که حتی فضای نقد سینمایی نیز به نوعی «للات خانه مجازی» تبدیل شده است. بخشید اگر تعبیر تند

است، اما واقعاً همین طور است.

منظور تان از «للات خانه» فضای آشفته و بی قاعده ای است که امروز در نقدهای سینمایی شاهدش هستیم؟

دقیقاً. کسی که شاید بیش از ده فیلم هم ندیده، فهرست «۲۰ فیلم برتر تاریخ سینما» منتشر می کند یا درباره هر فیلمی نظر قطعی می دهد، بی آن که درکی از آن اثر یا بسترش داشته باشد. این بی قاعدگی، بنیان ارزش ها را از بین می برد.

به نظر شما در حال حاضر ماهنامه سینمایی چقدر می تونه در شکل دهی به سلیقه و ذائقه سینمایی مخاطب مؤثر باشد؟ آیا تجربه ای در مقایسه با نشریات سینمایی خارجی دارید؟



صبا
ماهنامه سینمایی تخصصی
شماره ۲۶ | آریهوشماره ۱۳۰۳ | قیمت ۳۰۰۰ تومان

با دداشت اختصاصی
شینا آنتاری، معاون رئیس جمهور
سینما، طبیعت
و مسئولیت مشترک ما

نگاهی به استقبال مخاطبان
از آثار نوروزی
آکران در بحران

رابطه چندوجهی کراس تمی و
کوریسواو
ملاقات با یک اسطوره

کارگردان بسیر دلگینی ۲
ساخت انیمیشن
بدون درآمد دلاری
توجه ندارد

علی سرابی، بازیگر نقش شهید صیاد شیرازی:

**نقش «صیاد»
دل مشغولی و زندگی ام شد**

همراه با گفت وگوهایی با کارگردان و نویسنده فیلم سینمایی صیاد

مادر این سال ها، ذائقه مخاطب را از دست دادیم. سال به سال کمتر و کمتر. چرا؟ چون همه چیز یکسان شد. سینماها، فیلم ها، حتی خود مخاطب ها. پیش از انقلاب، هر سینما شخصیت داشت. مثلاً «شهر قصه» فیلم های خاص تر و فرهنگی تر را نمایش می داد. سینمای «آزادی» فیلم های فرانسوی و کمدی پلیسی. «دایموند» فیلم های هالیوودی و ایتالیایی. بعضی ها حتی فیلم های صحنه دار نشان می دادند. یعنی هر سالن، طیفی از سلیقه را پوشش می داد و مخاطب هم می دانست کجا باید برود.

اما بعد از انقلاب، همه چیز یکسان شد. همه سینماها یک مدل فیلم نشان می دهند، این یعنی محو شدن سلیقه. انگار همه چیز باید برابر باشد.

ولی آیا این اتفاق برای یکسان سازی درآمد سینما دارها نبود؟ یعنی مثلاً عدالت در